

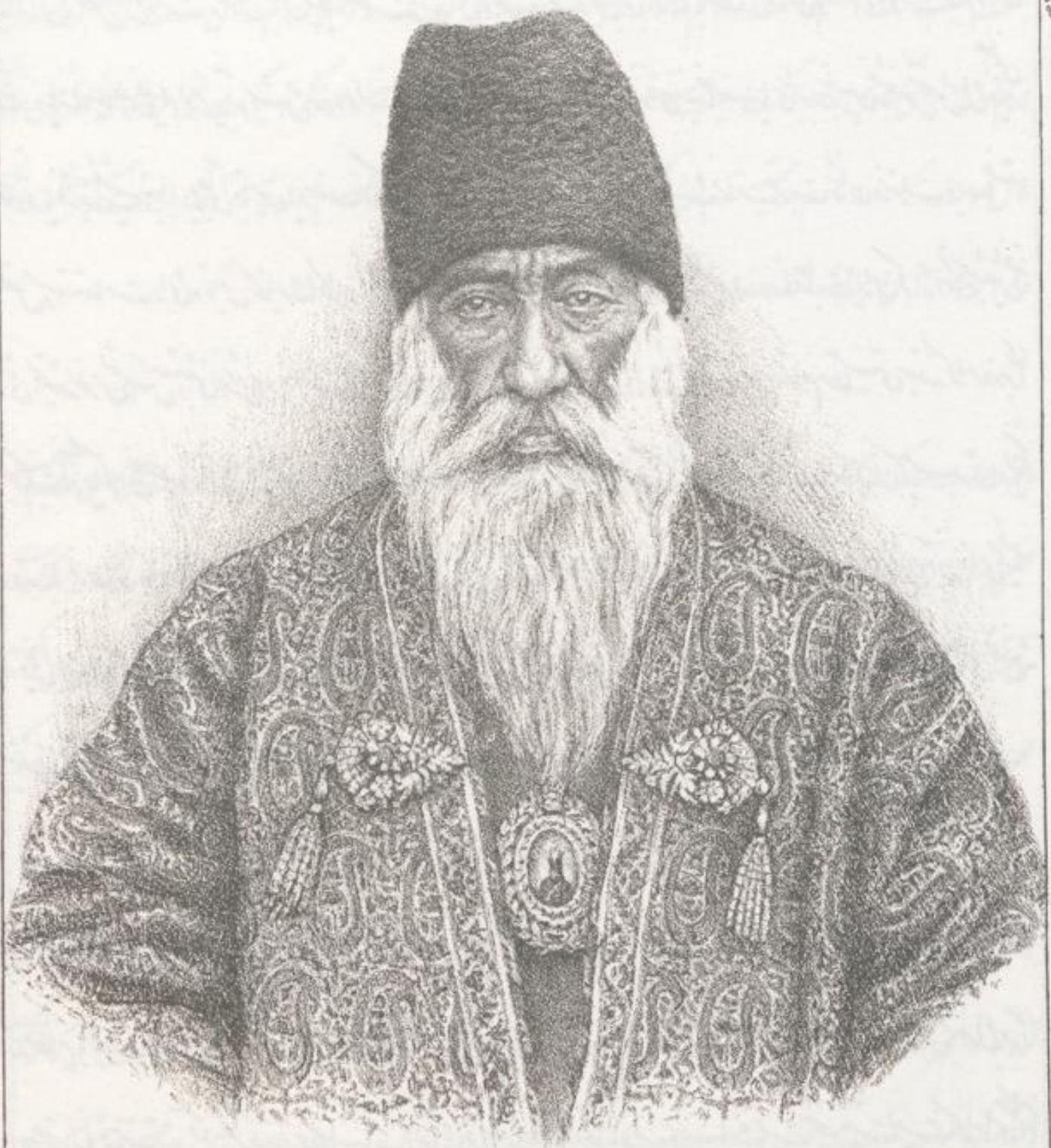
شهر شعبان المعظم ۱۳۰۱

نزد نوزدهم



قیمت نسخه کفران سیلانه یک تومان و دو هزاره

این روزنامه شش روزی یک نفر بطبع میرسد



جناب طباطبائی صدر اعظم

در این اوان سعادت آفران که از مباحث غنایات و لطائف الهی و محاسن توجهات نظر جمالیون پادشاهی بزرگه سلطانه و ایداعوانه شعور مملکت ایران

و امور دولت قوی ارکان کاینجهی آراسته منظم است و بنیان عدالت در بلدان مملکت همه جا محکم و مستند گردیده نعمت نصیب و خیر
 و کثرت رزق و سعادت عیش که از نعمات طبیعیه الهی است نیز در همه اقطار و امصار مملکت شامل حال قاطبه الهی است چون دیر زمانی بود که دولت
 اقدس مایون صاحب سمرانی زیاده از آنچه فرض ذمت و تکلیف سلطنت بود باقتضای مکه عدل داد در حراست عباد و سیاست بلا
 و تزیین امور مملکت و تمهید نظام دولت صرف وقت و بذل بخت میفرمودند و حال آنکه مقتضی بود که بسیاری از آن امور بدست کفایت
 چاکران که شخص اول دولت و مأمول مطلق پیکار سلطنت باشد محل و عهد و رتق و تقن شود لهذا باقتضای شان و شکوه دولت قیوم و افعالی
 آثار و یاسار بلاطین قدیم و مزید آرایش حزه دولت و رعایت آسایش خاطر سلطنت رای بنیض سیاسی مایون تعیین و تشخیص شخص اول و دیر
 علاقه یافته جناب مستطاب اجل قایم زاریوسف را که شرح احوال لیاقت حب و شرافت نب و مراتب قربت و شان و منزلت و حصانت
 عقل و استقامت رای و قایق کفایت و کار دانی ایشان در غمره دویم روزنامه شریفه شرف و بزم در روزنامه حیات ایران که از انکارش مانع
 و فی الحقیقه نظر من است مستغنی از شرح و وصف است و علاوه بر اینها در جرگه چاکران دولت باطنع دارای مقام عطیستی هستند که امروز برای
 بیحکیت از چاکران عظام دولت این مقام و منزلت حاصل نیست بمنصب صدارت عظمی و زبنت شخص اولی دولت علیه ایران که مسبوق بدان
 بودند نایل فرمودند و روز بیت و نیم شهر شعبان المعظم این سال فرخنده فال و قصر و عمارت مبارکه صاحب سمرانیه شیران که شرح آن بنای رفیع
 و ذیل این روزنامه نگارش می شود پس از انعقاد سلام عام در حضور مایون جناب مستطاب معظم را بجلست و شریف صدارت عظمی مخلص
 مشرف از قرار دستخط جناب نقطه مایون مقتضیات این مثل و نصب حلیل را بشخص سبیل ایشان معوض فرمودند

سواد دستخط مبارک

بخدمت عالی در این اوقات که اوایل سنه سیم سالی^{۱۳۱۱} امورات دولت منظم است در ولایات زخم از زان و در سرحقات امر بکده مالواری و خارج
 از انتظام باشد و نداده است و جمع و خرج دولت بی عیب و جمع طبقات نوکر و صاحبان مناصب یک یک تکالیف متفرجه بنحو مشغول در امور
 راجحه بنحو مساعی هستند لیکن خبر بیکه قدری اسباب پریشانی جواسم دم و رعایا و غیره و اسباب محنت شخص است اینست که اجزای حکام
 دولت و افاق حق رعایای مملکت و نفاذ امر از دست و دستهای متعدد و مختلف بیرون می رود و در این خلاف آزار و تعدد حکومتها است
 دولت و دم و رعایا پیشرفت نکرده بهمه تعویق می افتد و سبب اینست که آن رسم قدیم دولت ایران که همیشه منظور نظر سلاطین بوده است

چندیت متروک شده و از میان رفته است که عبارت باشد از وزیر اول و شخص اول که آن مسئول کل امور دولت و وقت و رعیت باید باشد
 و احکام با تمام ارشخص اصدار شود و چون ملاحظه فرمودیم تا منف خوریم که چرا باید رسم و قاعده صحیح قدیم دولتی را تا باین درجه متروک
 بگذاریم که بسبب پیش رفتن امور و رحمت خودمان تمام مردم ایران باشد که این موجب این دستخط از امر و بعد تجدید این رسم و قانون قدیم را
 کرده تغییر نمائیم که تمام مالی ایران از شانزادگان و صاحبان مناصب و طبقات نوکران امرای عسکریه و وزیرای اهل قسطنطنیه و غیره و غیره خراب
 بلقب و منصب صدارت عظمی ساخته ذره از حکم و صواب دید ایشان تجاوز و انحراف نوزند و ایشان هم در کمال قدرت و استقلال قرار بگیرند
 لازم است برای آبادی و حفظ مملکت و رعیت استقرار بدهند و تمام صاحبان مناصب طبقات نوکر را هر یک در مقام و شان کار و شغل خود
 کمال تقویت بکنند و عموم صاحبان نوکر با هم در کلیه نظامات عمل بنجاب صدر عظمی امداد نمایند و تمام بروات و شتجات دولتی
 و فرامین از تبریل و هر طبقه باشد ابتدا باید با مضای صدارت عظمی برسد و بعد مجری شود ۱۳۰۱

بناغ و عمارت مبارکه که صاحبش آنکه که از باغات بسیار خوش منظر با صفا و عمارات جدید الوضع رفیع الهی بنا و از منازل سلطنت
 عظمی است مجاور قریه نیاوران واقع در سمت شمالی ضلع شیران در روح و صفا و آب و هوا و نعمت محل و نعمت منظر بهترین طاق و از همه البرز است
 سابقاً قصر عمارتی عالی ولی از عهد قدیم و بوضع قدیم داشت در چهار سال قبل که سال نوی میل کهنار و دوست و نود و هفت و وزارت بنای ملک
 محروم به بنای شیخان شیرالدوله که اکنون زیر حلیه عظمی هستند بود آراوده سینه جایونی تغییر وضع عمارت آنجا و بنای عمارتی جدید که
 برای مملکت لایقتر باشد علاقه یافته بنجاب مغزی لیه امر قدرت در جایون افکار کرده و جناب مغزی لیه شروع عمارتی بسیار عالی
 بوضع عمارات مرغوبه اول اروپا نموده تا سال دیگر با تمام رسید و مزین با انواع زینت و مثل و اسباب با طهای نفیس و بسیار خوب
 گردید و این قصر عالی از دو سمت منتهی است یکی از طرف جنوب که منظر آن تمام جلگه طهران است و یکی دیگر از طرف شمال که منظر
 البرز دارد و طرف جنوب آن عالی تر و مزین تر است ولی چون اشجار خیابانها جایل بود و تمام بدن عمارت را در صحنه نقاشی نمینمود
 لهذا طرف شمال آن که عالی نداشته و محسوس بوده در این نقشه دور نما ساخته شده است

عادت سارک صنف از نظر وصال

البرقعی

